صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

نجات

پلیس، فرشته نجات یک مرد شد

مردی که پنجشنبه شب گذشته در عسلویه قصد داشت خودش را با یک بطری بنزین آتش بزند، با فداکاری مأمور پلیس از مرگ حتمی نجات یافت. مأمور پلیس ابتدا موفق شد بطری بنزین را از دست مرد جوان خارج کند، اما مرد به‌دلیل ریختن کمی بنزین روی لباسش آتش گرفت که با کمک مأمور پلیس نجات یافت.

موادمخدر

جاسازی ۴۴۰ کیلو تریاک در زانتیا

اعضای باندی که قصد داشتند با یک خودروی زانتیا ۴۴۰ کیلو تریاک را به شهرهای مرکزی کشور قاچاق کنند، در شهرستان خاش در سیستان و بلوچستان دستگیر شدند. متهمان وقتی در تور اطلاعاتی پلیس قرار گرفتند، پس از عملیات تعقیب و گریز، زانتیا را رها کردند و متواری شدند که در بازرسی از این خودرو، ۴۴۰ کیلو تریاک کشف شد.

آن سوی مرز

جنایت در خوابگاه دختران

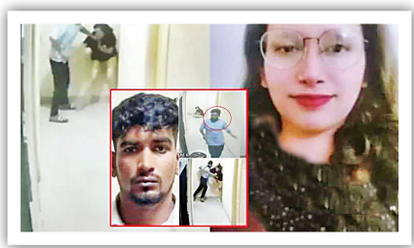

مرد هندی که دوست نامزدش را مسئول تیره شدن روابطشان می‌دانست، وارد خوابگاه محل اقامت این دختر شد و او را به قتل رساند.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های هند، شامگاه ۲ مرداد، پلیس شهر بنگلور هند در جریان جنایتی هولناک در خوابگاه پی‌جی در منطقه لوکس کورامانگالا قرار گرفت. این خوابگاه محل اقامت دختران و زنانی بود که برای کار به این شهر آمده بودند.

وقتی مأموران به محل جنایت رسیدند، دخترانی که در این خوابگاه اقامت داشتند به پلیس گفتند که با شنیدن فریادهای کریتی کوماری ۲۴ساله وحشت‌زده از اتاق‌های خود بیرون آمده‌اند؛ اما دیگر خیلی دیر شده بوده است. ضارب مخفیانه وارد خوابگاه شده، کریتی را از اتاقش بیرون کشیده و با ضربات چاقو بر گلویش او را به قتل رسانده بود.

کریتی کوماری اهل بیهار بود و برای کار در یک مزرعه خصوصی به این شهر آمده بود و در این خوابگاه همراه همکارش اقامت داشت.

در بررسی‌های پلیس مشخص شد که آبیشک (قاتل)، اهل بوپال در مادیا پرادش، نامزد همکار کریتی بود.

روز جمعه فیلم هولناک دوربین‌های مداربسته از قتل وحشیانه دختر جوان در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. در این ویدئو مردی دیده می‌شود که وارد راهروی خوابگاه می‌شود، در یکی از اتاق‌ها را می‌زند و زنی را بیرون می‌کشد. قربانی در برابر حمله مقاومت می‌کند، اما قاتل خیلی زود بر او غلبه می‌کند و با ضربه‌ای به گلویش او را به قتل می‌رساند و متواری می‌شود. این ویدئو باعث ترس و خشم در میان مردم شد و با توجه به حساسیت این موضوع، پلیس عملیات گسترده‌ای را برای دستگیری قاتل آغاز کرد.

در ادامه، مأموران سرنخ‌هایی به دست آوردند که نشان می‌داد قاتل در مادیا پرادش مخفی شده است. به این ترتیب، روز شنبه گذشته، کارآگاهان راهی مخفیگاه او شدند و وی را دستگیر کردند. این مرد در بازجویی‌ها گفت: من با دوست کریتی(مقتول) نامزد بودم. اما بعد از مدتی بین من و نامزدم بر سر بیکاری من مشکلاتی پیش آمد و ما مدام با هم دعوا می‌کردیم. این درگیری‌ها باعث شد که روابط میان من و نامزدم تیره شود و من کریتی را مسئول می‌دانستم. حتی متوجه شدم که کریتی به نامزدم کمک کرده بود تا به یک خوابگاه جدید برود و خود را از من مخفی کند.

قاتل ادامه داد: وقتی نامزدم جواب تماس‌های من را نداد، عصبانی شدم و چون کریتی را مسئول همه این اتفاقات می‌دانستم، راهی خوابگاهی شدم که وی در آنجا اقامت داشت و او را به قتل رساندم. با اعتراف قاتل، او به‌زودی در دادگاه محاکمه خواهد شد.

انتظامی

۵ جنایت در پرونده قاچاقچی مخوف

سرکرده یکی از باندهای بزرگ قاچاق موادمخدر شرق کشور که در پرونده سیاهش قتل ۳شهروند بی‌گناه و به شهادت رساندن ۲مأمور پلیس را ثبت کرده، دستگیر شد.

به‌گزارش همشهری، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کهنوج با اشاره به دستگیری یکی از سرکردگان باندهای فعال قاچاق موادمخدر در جنوب و شرق کشور و عامل اصلی شهادت ۲نفر از مأموران فراجا و مجروح شدن ۴افسر پلیس گفت: شامگاه پنجشنبه در یک عملیات هماهنگ و منسجم اطلاعاتی و هنگامی که این شرور سابقه‌دار و مسلح قصد عبور از پهنه ی جغرافیایی استان کرمان را داشت در تور اطلاعاتی جان برکفان یگان تکاوری فراجا قرار گرفت.

امید رضایی افزود: این فرد در عملیاتی ضربتی که در یکی از محورهای مواصلاتی شمال استان کرمان صورت گرفت، بازداشت شد.

این مقام قضایی اعلام کرد: فرد دستگیر شده (الف.ب) در سال ۱۳۹۳ در درگیری مسلحانه قاچاقچیان موادمخدر در چهار راه عشایری کهنوج ۲نفر از پرسنل کادر انتظامی کهنوج را به شهادت رسانده و ۴نفر از مأموران فراجا را مجروح کرده بود. وی خاطرنشان کرد: در پرونده سیاه این متهم، سوابق شرارت متعددی ازجمله قتل بیش از ۳نفر از شهروندان بی‌گناه استان سیستان و بلوچستان، حمل و ترانزیت مسلحانه موادمخدر، سرقت‌های مسلحانه و سوابق کیفری متعدد ثبت شده است. دادستان کهنوج هشدار داد: برخورد دستگاه قضایی و نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی با اشرار و مخلان نظم و امنیت عمومی جامعه سخت و عبرت‌آموز خواهد بود.

قاچاقچیان چوب در حادثه‌ای هولناک با اره به یک جنگلبان حمله و او را به‌شدت مجروح کردند

حمله به حافظان طبیعت

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

حملات گاه‌وبی‌گاه به محیط‌بانان و حافظان منابع طبیعی همچنان در نقاط مختلف کشور ادامه دارد و در تازه‌ترین اتفاق قاچاقچیان چوب با اره موتوری به جنگلبانی در گیلان حمله و او را به‌شدت مجروح کردند.

به گزارش همشهری، بامداد دیروز (یکشنبه) ۲نفر از جنگلبانان منطقه گیسوم تالش واقع در استان گیلان درحالی که مشغول گشتزنی بودند از دل جنگل صدای اره موتوری و سقوط درختان را شنیدند. این صداها نشان می‌داد که به‌احتمال زیاد قاچاقچیان چوب وارد جنگل شده اند و مشغول قطع درختان هستند. صدا از دوردست به گوش می‌رسید و در تاریکی هوا به درستی معلوم نبود که منشا آن کجاست. باوجود این جنگلبانان که به خوبی منطقه را می‌شناسند دقایقی به گشتزنی پرداختند تا اینکه به صدا نزدیک و نزدیک‌تر شدند. دقایقی بعد وقتی آنها به محل حادثه رسیدند با ۳قاچاقچی مواجه شدند که تعدادی از درختان را قطع کرده و در حال بریدن تعداد دیگری از درختان جنگل بودند. قاچاقچیان که در حال ارتکاب جرم بودند، انتظار رودررو شدن با جنگلبانان را نداشتند. قاچاقچیان ساعت‌ها برای بریدن درختان وقت گذاشته بودند و حالا با سر رسیدن جنگلبانان تلاش‌شان به هدر رفته بود. به همین دلیل وقتی جنگلبانان جلوتر آمدند آنها نه‌تنها دست از کار نکشیدند، بلکه یکی از آنها که اره موتوری در دست داشت به‌سوی یکی از جنگلبانان حمله کرد. او اره موتوری را که هنوز روشن بود به طرف او گرفت و این کار سبب شد تا تیغه‌های تیز اره جنگلبان وظیفه‌شناس را از چند ناحیه مجروح کنند. در ادامه درگیری سختی بین قاچاقچیان و حافظان طبیعت درگرفت و درنهایت آنها با مجروح کردن جنگلبانان سوار بر خودرویشان از آنجا گریختند.

سرهنگ محمد قربانی لرد، فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی گیلان درباره این حادثه گفت: قاچاقچیان بعد از این درگیری از فضای جنگل و تاریکی هوا استفاده کردند و گریختند اما نتوانستند چوب‌های قاچاق را با خود از جنگل خارج کنند. او ادامه داد: شناسایی قاچاقچیان برای این دو جنگلبان غیرممکن بود اما یکی از آنها موفق شد شماره پلاک خودروی قاچاقچیان را یادداشت کند و این تنها سرنخ برای دستگیری آنها توسط پلیس است و تحقیقات اولیه برای دستگیری آنها توسط پلیس آغاز شده است. او همچنین درباره وضعیت جنگلبان حادثه دیده نیز گفت: او از ناحیه بازوی راست و دست چپ و صورت به‌شدت مجروح شده و در بیمارستان گلسار رشت بستری است و مراحل درمان را طی می‌کند.

۵ قاب از فداکاری

پیش از این و در حوادث مختلف در سایر شهرستان‌ها نیز قاچاقچیان و شکارچیان با حمله به حافظان طبیعت شمار زیادی از آنها را مجروح کرده یا به شهادت رسانده اند. در این گزارش به ۵مورد از این حوادث در ماه‌های اخیر می‌پردازیم.

حادثه در سفیدکوه

۲نفر از شکارچیان متخلف روز ۲۰آذرماه ۱۴۰۲ به قصد شکار وارد پناهگاه سفیدکوه ازنا شدند. آنها با ورود به منطقه‌ای حفاظت شده قصد شکار گونه‌های مختلف را داشتند اما پیش از آنکه شکار را آغاز کنند، محیط‌بانان متوجه حضورشان شدند. شکارچیان که نقشه‌شان را نقش بر آب می‌دیدند با محیط‌بانان درگیر شدند و در جریان این درگیری ۲نفر از محیط‌بانان با پرتاب سنگ به‌شدت مجروح شدند. با وجود این درگیری اما ۲شکارچی مجروح و از آنها ۲ قبضه سلاح شکاری غیرمجاز کشف شد.

حمله به محیط‌بان اردستانی

یکی دیگر از حوادث تلخ مربوط به محیط‌بانان آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ در اردستان اتفاق افتاد و در جریان آن یکی از محیط‌بانان به‌شدت مجروح شد. شکارچیان با ورود به منطقه حفاظت شده قصد شکار داشتند که محیط‌بانی وظیفه شناس مانع‌شان شد. در این شرایط بود که آنها با این محیط‌بان درگیر شدند و در جریان این درگیری شکارچیان محیط‌بان را مجروح کردند و گریختند. فرار آنها اما پایان کار نبود و با پیگیری‌های انجام شده هر ۲ نفر دستگیر و با تشکیل پرونده‌ای به دادگاه معرفی شدند.

حمله به محیط‌بان شاهرودی

حمله خونین به محیط‌بان شاهرودی حادثه دیگری بود که در مردادماه ۱۴۰۲ اتفاق افتاد. روز حادثه ۳شکارچی غیرمجاز با ورود به منطقه حفاظت شده قصد شکار داشتند. یکی از محیط‌بانان که در حال گشتزنی در زیستگاه‌ها بود یکی از شکارچیان را سوار موتورسیکلت و همراه با یک لاشه شکار دید و او را دستگیر کرد. دقایقی بعد شکارچیان دیگر سر رسیدند و در حمایت از دوست‌شان با محیط‌بان درگیر شدند. در جریان این درگیری محیط‌بان جوان که با سنگ به سرش ضربه خورده بود به‌شدت مجروح شد.

حادثه در کرمانشاه

مرداد ۱۴۰۲ حادثه دیگری در مناطق حفاظت شده کرمانشاه رخ داد. در این حادثه نیز یکی از محیط‌بانان توسط شکارچیان به‌شدت مجروح شد. ماجرا از این قرار بود که تخلف تعدادی شکارچی غیرمجاز در منطقه حفاظت شده امروله و دالاخانی گزارش شده بود که محیط‌بانان بعد از ساعت‌ها تلاش موفق شدند شکارچیان را همراه با لاشه کل و بز شناسایی و دستگیر کنند. آنها مدتی بعد در دادگاه محاکمه و محکوم شدند و بعد از آن جلوی دادگاه یکی از محیط‌بانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و او از ناحیه صورت، دست و گردن به‌شدت مجروح شد.

جدال با شکارچیان در گیلان

اسفندماه ۱۴۰۱ مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست شهرستان لنگرود برای جلوگیری از تخلفات صید غیرمجاز ماهیان مهاجر در رودخانه لنگرود از جمله رودخان و شلمانرود اقدام به جمع‌آوری تورها و قلاب‌های ماهیگیری غیرمجاز کردند. در این بین ۲ متخلف با سلاح سرد به مأموران یگان حفاظت این اداره حمله‌ور شدند و یکی از محیط‌بانان را به شدت مجروح کردند. هرچند آنها بعد از این درگیری گریختند اما در ادامه با سرنخ‌هایی که از آنها به‌دست آمده بود پلیس هر دو شکارچی غیرمجاز را شناسایی و دستگیر کرد.

اشک پشیمانی پس از گرفتن جان رقیب عشقی

دادسرا

جوان ۱۸ساله، وقتی دختر موردعلاقه‌اش را با رقیب عشقی‌اش دید، چنان خشمگین شد که دست به جنایتی هولناک زد. به‌گزارش همشهری، شامگاه ششم مرداد ماه، به قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید که پسر جوانی در جریان یک درگیری به قتل رسیده است. با دستور قاضی جنایی تحقیقات آغاز و مشخص شد که مقتول جوانی حدودا ۱۸ساله است که به‌دلیل تصادف عمدی و ضربه‌ای که به سرش وارد شده، جان باخته است. اما این تصادف عمدی چطور رخ داده بود؟

دوئل عشقی در پمپ بنزین

در بررسی کارآگاهان معلوم شد که مقتول شاهرخ نام دارد. او چند وقتی می‌شد که با دختر ۱۷ساله‌ای به نام پرستو آشنا و به وی علاقه‌مند شده بود. این دو نفر اما به‌تازگی دچار اختلافاتی با یکدیگر شده بودند و پس از بحث با هم قهر کرده بودند. دختر ۱۷ساله پس از قهر با شاهرخ، با پسری به‌نام آراد که جوانی ۲۱ساله بود و در محله‌شان زندگی می‌کرد، دوست شده بود. آن شب پرستو با آراد قرار گذاشته و سوار ماشین وی شده بود تا با هم چرخی در خیابان‌های پایتخت بزنند. اما در بین راه، آنها برای بنزین زدن به ماشین وارد یک جایگاه سوخت در شرق تهران شدند. از قضا شاهرخ (مقتول) که با دوستش سوار بر موتورسیکلت بودند نیز برای پر کردن باک موتور وارد پمپ بنزین شدند. در آنجا بود که ناگهان شاهرخ، دختر موردعلاقه‌اش را سوار بر پراید مشکی که آراد راننده‌اش بود، دید و به‌شدت خشمگین شد. او به سمت ماشین رفت و با سرنشینان آن درگیر شد. در این شرایط آراد سوار ماشین شد و پایش را روی پدال گاز گذاشت تا هرچه زودتر جایگاه سوخت را ترک کند. شاهرخ برای اینکه ماشین را متوقف کند و مانع از فرار آنها شود، از صندوق عقب پراید آویزان شد و با این شرایط، آراد به فرار خود ادامه داد. این درحالی بود که شاهرخ مدام فریاد می‌زد و از آراد می‌خواست تا ماشین را متوقف کند؛ اما سرعت ماشین هر لحظه بیشتر می‌شد و راننده با حرکات مارپیچ و پر خطر به رانندگی خود ادامه داد تا اینکه در نهایت دست شاهرخ رها و به زمین پرت شد. بر اثر این اتفاق سر وی به‌شدت با جدول برخورد کرد که در نهایت منجر به مرگ وی شد. با به‌دست آمدن این اطلاعات، دستور بازداشت راننده پراید صادر و او در مدت کوتاهی پس از حادثه، راهی اداره پلیس شد و درحالی که اشک می‌ریخت، خودش را تسلیم کرد. با دستگیری پسر جوان، تحقیقات تکمیلی درباره این پرونده ادامه دارد.

گفت و گو

من پشیمانم

آراد متهم به قتل است؛ اما می‌گوید: هرگز قصد جنایت نداشته و شب حادثه فقط می‌خواسته از دست رقیب عشقی‌اش فرار کند. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چه شد که به اتهام قتل بازداشت شدی؟

باور کنید قصد قتل نداشتم. من از ترسم فرار کردم تا دعوای جدی رخ ندهد؛ اما شاهرخ خودش را پرت کرد روی صندوق عقب ماشینم. با این حال فکر نمی‌کردم که او در نهایت پرت می‌شود روی زمین و جانش را از دست می‌دهد. نمی‌دانید چقدر عذاب وجدان دارم و وحشت زده‌ام.

مقتول را می‌شناختی؟

او در محله ما زندگی می‌کرد اما نمی‌دانستم با دختر موردعلاقه من رابطه دوستی داشته است. فکر می‌کنم خیلی آدم‌های بدشانسی هستیم که آن شب، بنزین تمام کردیم و وارد آن پمپ بنزین شدیم و همدیگر را دیدیم. اگر بنزین ماشین من یا موتور آنها تمام نمی‌شد، قطعا همدیگر را نمی‌دیدیم و این اتفاق رخ نمی‌داد.

چرا بعد از اینکه شاهرخ پرت شد، فرار کردی؟

ترسیده بودم.

به کجا فرار کردی؟

من و پرستو به‌شدت ترسیده بودیم. او را رساندم مقابل خانه‌اش و بعد رفتم پیش عمویم. با عمویم رابطه صمیمانه‌ای دارم. رفتم با او صحبت کنم و بپرسم که باید چه کار کنم. تا آن لحظه اصلا خبر نداشتم که شاهرخ در این حادثه جانش را از دست داده است. عمویم از من خواست خودم را معرفی کنم و من هم راهی اداره پلیس شدم. در آنجا بود که فهمیدم چه اتفاق وحشتناکی رخ داده است، درحالی که اصلا قصد کشتن کسی را نداشتم. خیلی پشیمانم.

رسیدگی به پرونده آمریکا به خواست خانواده شهدای مدافع حرم

دومین دادگاه رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدافع حرم در دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل تهران برگزار شد. به گزارش همشهری، دومین جلسه دادگاه رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدافع حرم از گروهک‌های تروریستی تحت حمایت مستقیم دولت آمریکا با دادخواهی ۷۲۵نفر از ۱۵استان کشور دیروز (یکشنبه) در شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی ویژه روابط بین‌الملل تهران به ریاست قاضی حسین‌زاده برگزار شد. در ابتدای این جلسه، قاضی رسیدگی کننده به پرونده با بیان اینکه محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های علیه دولت آمریکا را دارند، گفت: این پرونده ناظر بر دادخواهی خانواده‌هایی است که برخی از اعضای خود را به‌دلیل اقدامات آمریکا از دست داده‌اند. او ادامه داد: جلسه دوم دادگاه بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران در شعبه ۵۵ حقوقی تهران دایر بر دادخواهی خانواده‌های معظم شهدا علیه دولت آمریکا به نحو رسمی در حال تشکیل است و پرونده حاضر متشکل از دادخواهی ۷۲۵نفر از اتباع ایرانی به طرفیت ۱۸خوانده ازجمله آمریکا تشکیل شده‌است. این پرونده متشکل از ۵۹ کلاسه است. در ادامه این جلسه وکلا و شماری از خانواده‌های شهدای مدافع حرم شکایت خود را مطرح کردند. در پایان قاضی ختم جلسه دادگاه را اعلام کرد.

داخلی

دختر ۴ساله پس از یک‌ماه جدال با هاری درگذشت

حمله مرگبار سگ ولگرد به مهری‌ماه

مهری‌ماه ۴ساله که اوایل تیرماه هدف حمله سگ‌های ولگرد قرار گرفته بود، پس از هفته‌ها جدال با بیماری هاری جانش را از دست داد.

به گزارش همشهری، تیرماه گذشته بود که دختربچه ۴ساله‌ای به‌نام مهری‌ماه از سوی یکی از بستگانش به بیمارستانی در بندرعباس منتقل شد. بدن او به‌شدت عفونت کرده بود و دختربچه تب شدیدی داشت و در این شرایط تلاش پزشکان برای درمان او آغاز شد.

هرچند در ابتدا معلوم نبود که چه اتفاقی برای دختربچه خردسال رخ داده، اما در ادامه مشخص شد که وی قربانی حمله سگ‌های ولگرد شده است. آنطور که بستگان دختربچه می‌گفتند، مهری‌ماه و خانواده‌اش در یکی از محله‌های شهر کهنوج زندگی می‌کرده‌اند و اوایل تیرماه، یک روز که دختربچه برای بازی از خانه خارج شده بوده، تعدادی سگ ولگرد به او حمله کرده‌اند و یکی از سگ‌ها دختربچه را گاز گرفته است. پس از این حادثه، مهری‌ماه به بیمارستان منتقل و یک دوز واکسن هاری به او تزریق شده و پس از آن به خانه بازگشته بود؛ اما با گذشت زمان، حالش بد و دچار تب شدید شده‌بود.

پزشکان بیمارستان بندرعباس پس از اطمینان از اینکه دختربچه هدف حمله سگ ولگرد قرار گرفته، شروع به آزمایش‌های مختلف کردند و معلوم شد که مهری‌ماه به بیماری هاری مبتلا شده است. به‌گفته یکی از پزشکان، وقتی فردی هدف حمله سگ مبتلا به هاری قرار می‌گیرد، باید ۳دز واکسن طی ۱۰ روز به او تزریق شود؛ اما ظاهرا پس از حادثه‌ای که برای مهری‌ماه رخ داده بود، فقط یک‌دز واکسن به وی تزریق شده و او به خانه برگشته بود. پس از آن هم در شرایطی که تصور می‌شد حالش روبه‌بهبود است، با توجه به اینکه سگ به هاری مبتلا بوده، عفونت در بدن دختربچه منتشر شد و او زمانی به بیمارستان بندرعباس منتقل شد که دیگر دیر شده بود.

با وجود این، تلاش‌ها برای نجات دختربچه ۴ساله از مرگ در بیمارستان ادامه یافت؛ اما با گذشت زمان بیماری او وخیم‌تر می‌شد و درنهایت روی تخت بیمارستان قربانی مرگ شد.

بلاتکلیفی ۳۱ساله قاتل در زندان

وقتی علی به اتهام قتل زنی دستگیر شد و به زندان افتاد، جوانی ۲۶ساله بود اما حالا در دوره میانسالی به سر می‌برد و از بلاتکلیفی در زندان خسته شده و درخواست کرده تا هرچه زودتر اولیای دم، تکلیفش را پس از ۳۱سال مشخص کنند. به گزارش همشهری، شروع این پرونده به شهریور سال ۱۳۷۲ برمی‌گردد. در آن زمان گزارش قتل زنی به پلیس پایتخت اعلام شد. مقتول زنی جوان بود که با همسر و دختر خردسالش در آپارتمانی در شرق تهران زندگی می‌کرد اما آن شب همسرش در ماموریت کاری به سر می‌برد. طبق بررسی‌های پلیس، مردی آشنا با تخریب قفل در ورودی، وارد آپارتمان شده بود تا طلا و جواهرات زن جوان را سرقت کند اما این زن بیدار شده و سارق برای اینکه دستگیر نشود، او را خفه کرده بود. از همان زمان تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری آغاز شد تا اینکه مأموران با توجه به سرنخ‌های موجود موفق شدند او را که برادر یکی از همسایه‌های مقتول بود دستگیر کنند. وی در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: مدت‌ها بود که دچار مشکلات مالی شده بودم. وقتی فهمیدم شوهر این زن برای ماموریت کاری از تهران خارج شده و به شهرستان رفته است، نقشه سرقت کشیدم.

وی ادامه داد: آن شب مهمان خانه برادرم که در همسایگی مقتول زندگی می‌کرد، شدم. آخر شب برای اجرای نقشه سرقت وارد عمل شدم اما فکر نمی‌کردم زن جوان بیدار شود و من ناچار شوم جانش را بگیرم. نقشه من سرقت بود اما به جنایت منجر شد. درواقع مقتول بیدار شد و بیدارشدن او به قیمت جان او و قاتل‌شدن من تمام شد.

قصاص

متهم پس از اقرار به جنایت با انگیزه سرقت، روانه زندان شد و پس از مدتی پای میز محاکمه رفت. مرد جنایتکار با حکم دادگاه به قصاص محکوم شد و با قطعی شدن رای، شمارش معکوس برای قصاص وی شروع شد. اما مادر مقتول که یکی از اولیای دم بود جانش را از دست داد. از سوی دیگر فرزندان این زن (مادر مقتول) و دختر مقتول نیز که اولیای دم محسوب می‌شوند، پیگیر پرونده و اجرای حکم قصاص قاتل نشدند. از آن زمان بیش از ۳۰سال می‌گذرد و مرد محکوم به قصاص در آستانه ۵۷سالگی است. او ۳۱سال است که زندگی‌اش پشت میله‌های زندان گذشته و از این بلاتکلیفی خسته شده است. به همین دلیل چند روز قبل نامه‌ای در زندان نوشت و از مسئولان قضایی خواست هرچه زودتر تکلیفش را مشخص کنند؛ یا قصاص شود یا اولیای دم گذشت کنند یا از زندان آزاد شود.

پس از درخواست این مرد درزندان، دادیار شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی، نامه درخواست او را به دادگاه کیفری فرستاده تا در این پرونده، قضات دادگاه تعیین تکلیف کنند.